

علت بحران آب؛

افزایش جمعیت یا سوء مدیریت

اجت میان آبادی | کشور ایران به دلیل قرار گرفتن در منطقه خشک و نیمه خشک دنیا با کمبود جدی منابع آب روبرو است، در حالی که در شرایط فعلی کشور و با جمعیتی حدود ۷۵ میلیون نفر با بحران جدی منابع آب روبه‌رو هستیم، اتخاذ سیاست جدید افزایش جمعیت و رسیدن به جمعیت ۱۵۰ میلیون نفری، نگرانی‌هایی را در برخی محافل علمی و غیر علمی ایجاد کرده است.

برخی افراد و چهره‌های شناخته شده علمی کشور در کتاب‌ها و مقالات خود یکی از مهمترین راه کارهای نجات کشور از بحران آب را جلوگیری از رشد جمعیت در کشور اعلام کرده‌اند. اکنون این سوال مهم پیش روی ماست که آیا اتخاذ سیاست افزایش جمعیت، سبب افزایش و جدی شدن بحران منابع آب در آینده کشور نخواهد شد؟ نظریه افزایش جمعیت و بحران غذایی، اولین بار در سال ۱۷۹۸ توسط

توماس مالتوس، کشیش و اقتصاددان انگلیسی، مطرح شد. بر اساس این نظریه که به نظریه مالتوس معروف گردید، منابع محدود موجود بر روی کره زمین پاسخگوی رشد چشمگیر و سریع جمعیت در دنیا نبوده و در نتیجه تنش‌ها و بحران‌های ناشی از کمبود منابع در آینده غیرقابل اجتناب خواهد بود.

مالتوس معتقد بود که رشد جمعیت به صورت هندسی و رشد کشاورزی به صورت حسابی است و این رشد

جمعیت جوابگوی منابع موجود برای بشر نخواهد بود. بنابراین مالتوس راهکار حل این مسأله را جلوگیری از افزایش جمعیت و ازدواج دیر هنگام اعلام نمود. نتوالتوسین‌ها هم از دهه سوم قرن ۱۹ میلادی به بعد با الهام از نظریه مالتوس به حمایت از نظریه کنترل جمعیت و جلوگیری از افزایش باروری پرداختند. تفاوت اصلی بین مالتوسین‌ها و نتوالتوسین‌ها آنست که نتوالتوسین‌ها توسل به راه‌های غیر مشروع و غیر اخلاقی را نیز برای رسیدن به این هدف مجاز می‌شمردند. اما این نظریه به سرعت با مخالفت گروه‌های مختلف روبه‌رو شد، کورنو کوپیان‌ها (Cornucopians) به شدت با نگاه بدبینانه نتوالتوسین‌ها مخالف بودند. آن‌ها معتقد بودند که نتوالتوسین‌ها اثرات پیشرفت فناوری و مشارکت‌های اجتماعی در آینده برای تأمین و دسترسی بیشتر به منابع غذایی مورد نیاز بشر را نادیده گرفته‌اند. از نگاه کورنو کوپیان‌ها پیشرفت فناوری در افزایش بهره‌وری و راندمان کشاورزی، افزایش تولید

منطقه سیستان بیش از آن که از کمبود منابع آب رنج ببرد، از سوءمدیریت و ضعف حکمرانی آن رنج می‌برد.

لذا ایجاد این تصور که یکی از راه‌های نجات منابع آب کشور و حل بحران آب، جلوگیری از افزایش جمعیت می‌باشد، چیزی جز حذف صورت مسأله و سرپوش گذاشتن بر مشکلات اصلی در ایجاد بحران آب نخواهد بود.

یکی از مشکلات اصلی و ریشه‌ای منابع آب در ایران که سبب ایجاد بحران‌های متعدد آبی در نقاط مختلف کشور از قبیل هیرمند، زاینده‌رود، کارون، ارومیه و غیره شده است، رویکرد نامناسب مدیران و سیاست‌گذاران آبی در مقوله مدیریت و حکمرانی آب است که بیشتر نگاه مهندسی و سازه‌ای به مسأله مدیریت منابع آب دارند تا نگاه مدیریتی و حکمرانی آن.

از این رو بخش عظیمی از اقدامات صورت گرفته در بخش مدیریت و حکمرانی منابع آب کشور، به ساخت سد و یا طرح‌های سازه‌ای انتقال آب اختصاص یافته است. نگاه کوتاه و مختصر به برخی پروژه‌های انجام شده که بحران‌های عظیم آبی را در کشور ایجاد کرده است، نشان می‌دهد که بخش عظیمی از این پروژه‌ها بیش از آن که توجیه علمی و منطقی داشته باشند، به دلیل منافع محلی و مقطعی و بعضاً فشارهای سیاسی تصویب و اجرا گردیده است، به طوری که وزیر نیرو به صراحت به افراط در سدسازی اشاره کرده و اعلام نموده است که برخی از این سدهای احداث شده در کشور کارایی‌های لازم را نداشته و اثرات مخرب و بحران‌زای آن بیشتر از اثرات مثبت آن بوده است. در پایان باید به این نکته تأکید گردد که بدون شک، در صورت ادامه روند موجود در سوءمدیریت و حکمرانی ناصحیح منابع آب، کشور در آینده‌ای نه چندان دور با بحران‌های جدی منابع آب مواجه خواهد شد و افزایش جمعیت با این رویکرد و مدیریت نامناسب، این مشکلات را حادتر خواهد کرد.

ولی این مسأله بدان معنا نیست که کاهش جمعیت و یا جلوگیری از افزایش جمعیت یکی از راهکارهای اساسی حل بحران آب در ایران می‌باشد. در واقع راهکار اصلی برای مقابله با بحران آبی آینده، مدیریت و حکمرانی صحیح منابع آب کشور می‌باشد تا زمانی که این تغییر رویکرد در کشور نهادینه نگردد، ممکن است سایر اقدامات، نتایجی مقطعی و زودگذر و در برخی موارد اثرات مخربی نیز داشته باشند.

محصولات، تصفیه آب و فاضلاب، شیرین کردن آب شور دریا و سایر پیشرفت‌ها می‌تواند به تأمین نیازهای حیاتی بشر در آینده کمک نماید.

در زمینه ارتباط بین کمبود منابع آب و بحران‌های اجتماعی و اقتصادی مطالعات مختلفی صورت گرفته است و مکرر بر این مسأله تأکید شده که بحران موجود در مسأله منابع آب، بحران کمبود آب نیست، بلکه بحران مدیریت و حکمرانی آب است. در این رابطه کمیسیون توسعه پایدار سازمان ملل در گزارشی اعلام کرد که «بحران آب در دنیایک بحران حکمرانی است، نه بحران کمبود آب». برخی از محققین دیگر نیز معتقدند که مسأله کمبود منابع آب عامل ایجاد تنش و بحران نیست، بلکه ناشی از تنش و عدم مدیریت و حکمرانی صحیح آب می‌باشد. علاوه بر این، مطالعات مختلفی در خصوص بحران‌ها و تنش‌های ایجاد شده در قرن بیستم میلادی در سه منطقه مختلف دنیا شامل آمریکا (آمریکای مرکزی)، آمریکای شمالی، آمریکای جنوبی و حوزه کارائیب)، آسیای غربی (خاور میانه) و اروپای غربی انجام شده است. این مطالعات نشان می‌دهد که ریشه اصلی بحران‌های آبی در این مناطق سوءمدیریت و عدم سازمندی مناسب در حکمرانی منابع آب بوده و کمبود منابع آب مسأله بحران آب را تشدید نموده است.^۱

به منظور بررسی وضعیت روند امنیت آبی در کشورهای آسیایی، مطالعات جداگانه‌ای در خصوص چشم‌انداز توسعه آب در آسیا^۲ توسط بانک توسعه آسیا (ADB) صورت گرفته است. این مطالعات نشان می‌دهد که کشورهای آسیایی با بحران آب ناشی از کمبود منابع آب مواجه نیستند، بلکه بحران آبی ایجاد شده در این کشورها بدلیل ضعف در مدیریت و حکمرانی منابع آب می‌باشد.

پس از خشکسالی ایجاد شده در هیرمند و خشک شدن دریاچه هامون و ایجاد بحران شدید آبی در منطقه سیستان، مطالعات مشترکی با همکاری ایران و کشور هلند در سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۰۶ میلادی در خصوص مشکلات حوضه و مدیریت جامع آن صورت گرفت.

گزارشات منتشر شده^۳ بعد از تکمیل این مطالعات در حوضه سیستان و روخانه هیرمند و دریاچه‌های هامون عیناً تصریح می‌نماید که بحران آبی ایجاد شده در منطقه سیستان بخاطر کمبود آب نیست، بلکه به علت عدم مدیریت صحیح آن در منطقه است. به بیان ساده‌تر

^۱ Hensel, P.R., McLaughlin Mitchell, S., Sowers, T.E., ۲۰۰۶. Conflict management of riparian disputes. Polit. Geogr., ۲۵: ۴۱۱-۳۸۳.

^۲ Biswas, A.K., Seetharam, K.E., ۲۰۰۸. Achieving Water Security for Asia. Int. J. Water Resour. Dev., ۱۷۶-۱۴۵, ۲۴.

^۳ Integrated Water Resources Management for the Sistan Closed Inland Delta, Iran. Main Report., ۲۰۰۶.

^۴ The present poor ecological conditions of the Hamouns at the Iranian side appear to be the result of mismanagement and not a result of years of drought in the area.